آرمان ملی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۵۱۰
سه شنبه
۰۵ • ۰۸ • ۱۴۰۵
۱۶ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ / ۲۷ اکتبر ۲۰۲۶

ذره بین

سخنگوی وزارت امور خارجه:

مواضع اصولی ایران درباره امنیت منطقه تغییر نمی‌کند

آرمان ملی: سخنگوی وزارت امور خارجه درباره تغییر رویکرد کشورهای اروپایی در قبال ایران و تاکید بر دیپلماسی با وجود رویکرد مضر پیشین گفت: من مطمئن نیستم که بتوانیم این مسأله را تغییر رویکرد بنامیم؛ ممکن است صرفاً یک ژست سیاسی باشد. امیدواریم طرف‌های اروپایی با مشاهده پیامدهای تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی بر امنیت منطقه و تحولات داخلی کشورهای خود، با واقع‌بینی بیشتری به تحولات غرب آسیا نگاه کنند. اسماعیل بقایی گفت: واقعیت این است که این سه کشور اروپایی در دو سال گذشته به هیچ‌وجه سازنده عمل نکرده‌اند. آنها حتی حاضر نشدند تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران را صریحاً و با زبان محکوم کنند. برعکس، مواضعی اتخاذ کردند که حاکی از حمایت یا دست‌کم مماشات و بی‌عملی در برابر چنین تجاوزی بود. این رفتار به‌هیچ‌وجه قابل قبول نیست. وی با اشاره به اینکه اروپایی‌ها باید کارنامه دو سال گذشته خود را آسیب‌شناسی کنند، بیان کرد: متأسفانه اروپا خود را به بخشی از مشکل تبدیل کرد؛ هم از طریق تبعیت از آمریکا در موضوع موسوم به اسنپ‌بک و هم با خودداری از محکوم کردن تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران. اروپایی‌ها به جای آنکه تجاوز نظامی را محکوم کنند، پیوسته پیام‌هایی صادر کردند و مواضعی گرفتند که در راستای تأیید این تجاوز بود. به هر حال، امیدواریم این سه کشور اروپایی تحولات منطقه را واقع‌بینانه‌تر از گذشته ارزیابی کنند و تصمیم بگیرند رویکردی مستقل و سازنده در قبال مسائل غرب آسیا اتخاذ کنند. سخنگوی دستگاه دیپلماسی درباره آخرین وضعیت مرزهای ایران و عراق و برخی ادعاهای مطرح شده از سوی مقامات عراقی درباره ایران گفت: در ارتباط با مرزهای ایران و پاکستان، مقام‌های پاکستانی از ابتدا اعلام کردند که موضوع، فنی است و باید به‌روزرسانی‌هایی در سامانه‌های مربوطه انجام شود. همچنین نگرانی‌های امنیتی را مطرح کردند. البته ما نیز شنیده‌ایم که چند مورد اقدام تروریستی طراحی شده یا در آستانه وقوع بوده است وی افزود: رایزنی‌های ما با پاکستان ادامه دارد و روند مذاکرات مثبت است. امیدواریم مشکلات فنی‌ای که طرف پاکستانی مطرح کرده است، هرچه سریع‌تر به‌طور کامل برطرف شود. بقائی با اشاره به اینکه در رابطه با عراق نیز سفارت جمهوری اسلامی ایران در بغداد و کنسولگری‌های ما در این کشور، با جدیت موضوع را پیگیری می‌کنند، خاطرنشان کرد: مقام‌های عراقی نیز خودشان به فشارهای آمریکا را اشاره کرده‌اند. باید توجه داشت که اقدامات آمریکا و تحریم‌های غیرقانونی این کشور، علاوه بر ایجاد فتنه در روابط میان کشورها، آثار و پیامدهایی نیز برای مردم کشورهای همسایه خواهد داشت. سخنگوی وزارت امور خارجه درباره اظهارات رئیس جمهور اسبق آمریکا که گفته ایران سلاح هسته‌ای نداشت گفت: اینکه ایران سلاح هسته‌ای نداشته، یک واقعیت است. ایران نه تنها هیچ‌گاه سلاح هسته‌ای نداشته، بلکه هیچ‌وقت نیز به دنبال دستیابی به آن نبوده است. واقعیت دیگر این است که ایران با حسن نیت در یک فرایند مذاکراتی شرکت کرد و در سال ۲۰۱۵ معاهده‌ای را امضا کرد؛ اما طرف آمریکایی تنها سه سال بعد، بدون هیچ دلیل و بهانه‌ای، از این معاهده خارج شد و سپس اقدامات گسترده‌ای را علیه ایران اعمال کرد.

تکرار ادعای بی‌اساس

بقایی افزود: امیدواریم افکار عمومی آمریکا از این واقعیت‌ها مطلع شود؛ اینکه هیات حاکمه این کشور طی چند دهه، تحت تأثیر القائات رژیم صهیونیستی، دروغ بزرگی به نام «بمب هسته‌ای ایران» را به افکار عمومی خود القا کرده و سپس همین دروغ را مبنای تجاوز نظامی علیه ایران قرار داده است. با وجود اینکه ادعا کردند برنامه هسته‌ای ایران را به‌طور کامل از بین برده‌اند، هشت ماه پس از آن بار دیگر مرتکب تجاوز نظامی علیه ایران شدند. نکته جالب این است که همچنان همان ادعا را تکرار می‌کنند. سخنگوی وزارت امور خارجه بیان کرد: ما ندیم نفت یا کالای دیگری نیستیم؛ ما ندیم منافع ملی و امنیت ملی ایران هستیم. عامل و علت افزایش قیمت نفت، خود آمریکایی‌ها هستند؛ به دلیل ناامن کردن تنگه هرمز و کشتیرانی بین‌المللی. فراموش نکنیم که تنها چند ماه قبل، رئیس جمهور آمریکا با افتخار اعلام کرد که رفتار آنها مانند دزدان دریایی است. آنها کشتی‌های مختلفی را تصاحب کردند. سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به این پرسش «آرمان ملی» که پس از لغو نشست صلاله، آیا ایران پیشنهاد جدیدی برای گفت‌وگو با کشورهای منطقه در راستای تأمین امنیت مشترک مطرح کرده است، اظهار کرد: قرار نیست با عدم برگزاری یک نشست، مواضع اصولی خود متوقف و تعدیل کنیم. موضع اصولی ما این است که کشورهای منطقه باید برای تأمین امنیت مشترک گام بردارند. امیدواریم اتفاقی که امروز در حال رخ دادن است، مقدمه‌ای در همین مسیر باشد. وی افزود: در جریان نشست بغداد سازمان همکاری اسلامی نیز پیشنهادهای ایران درباره این موضوع با کشورهای منطقه مطرح شد.

«آرمان ملی» از مراسم یادبود شهید علی لاریجانی گزارش می‌دهد

قوه عاقله نظام، مصلح اجتماعی

آیت‌ا... محقق داماد: لاریجانی نگران امنیت ملت بود



آرمان ملی- حمید شجاعی: چهره‌ها و شخصیت‌های بسیاری در صحنه سیاست عملی ایران آمده و رفته‌اند و هر یک از خود نام و نشانی بر جای گذاشته‌اند، اما کمتر شخصیتی بوده که پس از اینکه از میان مردم رفته باشد هنوز هم نام و یادش در خاطر جامعه و سیاسیون زنده بماند و همچنان از او، درایت و عقلانیتش بگویند. شهید علی لاریجانی یکی از این چهره‌ها و شخصیت‌ها بود که به واقع برای نظام و کشور وزنه سنگین و کارآمدی به حساب می‌آمد. این نکته را نه صرفا حامیان یا موافقین که حتی منتقدین و مخالفین او نیز می‌گفتند که لاریجانی یکی از چهره‌هایی بود که نمی‌شد بی‌توجه از کنار وی رد شد. معمول است که می‌گویند ارزش، قدر و بزرگی و جایگاه یک نفر پس از درگذشتش بیشتر دیده می‌شود و این مورد در مورد شهید علی لاریجانی نیز بسیار صدق می‌کند. چنانکه امروز پس از اتفاقات مختلف و تحولاتی که طی ماه‌های گذشته در حوزه‌های مختلف در عرصه‌های داخلی و خارجی رخ داده، تازه فقدان شخصیت حکیم و ارزشمندی چون شهید لاریجانی در حاکمیت حس می‌شود. چنانکه قاطبه سیاسیون و جامعه نیز بر این مهم صحه می‌گذارند که امروز کشور به عقلانیت، درایت و دوراندیشی لاریجانی نیاز مبرم دارد و شهادت او ضربه سختی بود که به کشور و نظام وارد شد. واقعیت این است که امروز ایران در عرصه‌های داخلی و خارجی به عقلای میانه‌رو، دوراندیش با فهم بالا از منافع ملی احتیاج دارد که از هرگونه تصمیمات هیجانی و تندروانه دور باشند. چهره‌ای مثل علی لاریجانی چنین بود و در تمام مدتی که در مناصب مختلف حاکمیتی فعالیت می‌کرد از وزارت ارشاد و ریاست صداوسیما گرفته تا ریاست مجلس، دبیری شعام و نمایندگی ویژه ایران در امور چین تمام فکر و ذکرش منافع ملی و اعتلای نام ایران و بود. عقلانیت لاریجانی به اندازه‌ای بود که چندی پیش حتی خود غربی‌ها بدین مساله اذعان کردند که در به شهادت رساندن بسیاری از مقامات و مسئولان کشور زیاده‌روی کردند و چهره‌ای مثل لاریجانی می‌توانست در مسائل بین‌المللی نقش موثری ایفا کند. در همین راستا چندی پیش نیز ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، در نشست والدای به نقش علی لاریجانی در حل‌وفصل اختلافات منطقه‌ای اشاره کرد و فقدان او را مانعی در مسیر دستیابی به توافق‌هایی دانست که می‌توانست به بازگشت صلح و ثبات به خلیج فارس کمک کنند. او ترور علی لاریجانی را «اشتباه بزرگی» توصیف کرد و بر اهمیت نقش او در دستیابی به راه‌حل‌های دیپلماتیک برای بحران‌های منطقه تأکید کرد.

یادبود دبیر شهید شعام

هنوز یک سال از شهادت دکتر علی لاریجانی نگذشته اما تاکنون چندین چند مراسم بزرگداشت و یادبود برای وی برگزار شده و می‌شود و همگان به نوعی یاد او را گرامی می‌دارند. چهره‌ای که جدای از خصوصیت‌های پسندیده اخلاقی به عقلانیت، میانه‌روی و دوراندیشی شناخته می‌شد و در میان همه جریانات سیاسی دارای مقبولیت و احترام بود. چنانکه منصور حقیقت‌پور نماینده سابق مجلس می‌گوید: «در سال‌های گذشته تفکری به نام تفکر عقلانیت در کشور ایجاد شد که بیشتر از مکتب شهید لاریجانی بیرون آمد». لاریجانی نشان داد که برای کسب منافع ملی باید از مسیر عقلانیت و میانه‌روی پیش رفت و تندروی کار به جایی نمی‌برد و همین امر نیز باعث شده تا بسیاری ذر قدان او از جایگاه و وزن بالای او در سیاست عملی ایران بگویند. در همین راستا نیز روز گذشته مراسم گرامیداشت شهید لاریجانی در دانشگاه تهران برگزار شد که در این مراسم چهره‌ها و شخصیت‌های مختلف سیاسی به سخنرانی پرداختند. در این مراسم حجت‌الاسلام محمدرضا لاریجانی، پسر شهید لاریجانی اظهار کرد: «اگر ایشان امروز در بین ما بود به مسئولان توصیه می‌کردند تکثر اجتماعی که در جامعه ایران است پذیرفته و از ظرفیت آنان استفاده شود». علی مطهری نماینده ادوار مجلس نیز در این مراسم با برشمردن خصیصه‌های مشترک شهید مطهری با شهید لاریجانی گفت: «شهید مطهری قوه عاقله انقلاب ما بود. می‌توانیم این تعبیر را برای دکتر لاریجانی نیز به کار ببریم. ایشان در این برهه واقعاً قوه عاقله انقلاب بود و مردم به ایشان امید بسته بودند. ویژگی دیگر ایشان این بود که می‌توانیم او را مصلح اجتماعی بدانیم؛ کسی که محبوبیت خود را فدای مصالح مردم کرد. شهید لاریجانی جایی که تشخیص داد برجام به نفع کشور است محکم ایستاد. دوگانه رفتار نکرد و باعث شد در مجلس تصویب شود و بعد متهم کردند که برجام را در ۲۰ دقیقه تصویب کرد. در حالی که ۱۰ دقیقه هم کافی بود. چون مجلس حق تغییر در آن را نداشت».

دقیق، صاحب‌نظر، مطلع

رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم در مراسم یادبود شهید علی لاریجانی اظهار کرد: «شهید لاریجانی عمل می‌کرد بی‌آنکه منتظر باشد کسی از او ستایش کند. او عمل می‌کرد بی‌آنکه منتظر باشد عمل خود را نمایش دهد. سکوت علی لاریجانی بیش از مقام سخن گفتن او معنا داشت. در عالم سکوت او برای ملت خود امنیت می‌آورد، نگران امنیت ملت بود. سکوت او عین بیان بود بی‌آنکه بیان کند». آیت‌ا... سیدمصطفی محقق داماد گفت: «ایشان دو بار مورد ظلم قرار گرفت و به تعبیر رهبر شهید مظلوم واقع شد اما سکوت کرد و سکوت او باید سال‌ها توسط دوستان او تفسیر می‌شد که چه معنایی داشت. ظلم به خود او و خانواده‌اش شد اما او سکوت کرد. معنای این سکوت سال‌های آینده قطعا تفسیر خواهد شد». وی افزود: «ایشان سیاست اجرایی را با خرد حکمی آمیخته کرد. حکمت را به میدان آورد. حکمت عملی را به میدان آورد، حکمت عملی همان صبر، بردباری، تحمل، لبخند بود». همچنین یک عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز درخصوص شهید لاریجانی در این مراسم یادآور شد: «او فردی دقیق، صاحب نظر و مطلع بود و از نظر علمی و عمق شخصیت، چهره‌ای موجه و دوست‌داشتنی از ایران در برابر شخصیت‌های سیاسی و علمی خارجی به نمایش می‌گذاشت. غلامعلی حداد عادل بیان کرد: «شهید لاریجانی در مواجهه با شخصیت‌های خارجی، چه در سفر آنان به ایران و چه در سفرهای خود به کشورهای دیگر، از نظر دانش، اطلاعات و نظم ذهنی کم نمی‌آورد و موجب سرافرازی ملت ایران بود». وی در خصوص رقابت خود با شهید لاریجانی در ریاست مجلس تصریح کرد: «هرجا احساس می‌کردم رقابت ما ممکن است به اصل انقلاب لطمه بزند، تلاش می‌کردم رقابت را به رفاقت تبدیل کنم».

«آرمان ملی» سفر پزشکیان به روسیه را بررسی می‌کند

دیپلماسی انرژی در مسکو

آرمان ملی- مرتضی خبازیان: در روزهایی که بازار انرژی تحت تاثیر جنگ، اختلال در عرضه، افزایش قیمت‌ها و تغییرات سیاست آمریکا در قبال روسیه قرار گرفته، مسعود پزشکیان برای شرکت در نشست هشتمین اجلاس سران مجمع کشورهای صادرکننده گاز (GECF) به مسکو سفر می‌کند. سفری که بازتاب دهنده چندین پیام خواهد بود و مهم‌ترین پیام بی‌تردید بازتعریف جایگاه ایران و روسیه در نظم انرژی پس از بحران فعلی است؛ نظمی که در آن حتی رقبای سیاسی نیز برای تأمین انرژی و مهار هزینه‌های اقتصادی ناچار به معامله می‌شوند. چنین اتفاقی در دوران جنگ سرد و رقابت شدید بین دو بلوک عمده بین‌المللی قابل تصور نبود که روسیه و آمریکا تحت تاثیر عوامل و واقعیت‌های میدانی چنین به هم نزدیک شوند.

تغییر محاسبه واشنگتن

ایران در مقابل زورگویی آمریکا با محاصره دریایی، به‌خوبی از برگ تنگه هرمز استفاده کرد و اجازه تثبیت قیمت انرژی را نداد. قیمت انرژی را می‌توان به مثابه پاشنه آشیل ترامپ در نظر گرفت و همانطور که دیده می‌شود ترامپ در هر سخنرانی سعی کرده این موضوع را کم اهمیت جلوه دهد اما آمریکایی‌ها صرف نظر از سخنان تبلیغاتی ترامپ با واقعیتی تحت عنوان افزایش قیمت سوخت مواجه‌اند. ترامپ نشان داده که هرگاه در تنگنا گرفتار می‌شود، ابایی ندارد که تصمیمات گذشته خود را نقض کند. او تاکنون نشان داده که نسبت به قیمت نفت حساس است و ایران و روسیه هم به درستی از این حساسیت باخبر هستند. ترامپ برای کنترل قیمت نفت برخی تحریم‌ها و تعرفه‌های مرتبط با قانون جدید تحریم روسیه را کنار گذاشته است. این اقدام در شرایطی رخ داده که آمریکا با افزایش هزینه‌های انرژی و نگرانی از کمبود عرضه مواجه شده و ترامپ بیم آن دارد که این وضعیت در انتخابات میان‌دوره‌ای اثرگذار باشد. این تصمیم به خوبی یک تناقض بزرگ را آشکار می‌کند. آمریکا از یک سو در پی اعمال فشار بر روسیه است و از سوی دیگر، ملاحظات بازار انرژی و منافع اقتصادی آمریکا ترامپ را مجبور کرده که بخشی از فشار را تعدیل کند. هرچند این معافیت به معنای لغو دائمی تحریم‌های روسیه نیست، با این حال چنین گردشی در سیاست آمریکا یک پیام سیاسی روشن دارد که انرژی حتی در شرایط تقابل ژئوپلیتیکی می‌تواند به ابزاری برای معامله و چانه‌زنی تبدیل شود.

سفری با چند هدف

در چنین شرایطی سفر پزشکیان به مسکو صرفاً برای دیدار با پوتین نیست و اجلاس GECF بستری است که ایران و روسیه خواهند توانست نقش خود را به عنوان قطب‌های مهم بازار انرژی برجسته کنند. بر اساس خبرهای منتشر شده از دستور کار اجلاس، پزشکیان قصد دارد درباره چند موضوع مهم با همتای روسی خود گفت‌وگو کند. احتمالا گفت‌وگو برای ایجاد بازار مشترک گازی بین کشورهای عضو، توسعه همکاری در میدان‌های گازی و قراردادهای سوآپ، حفاظت از زیرساخت‌های انرژی در برابر حملات و خرابکاری و در نهایت تقویت همکاری در شرایط تحریم و بی‌ثباتی بازارها از جمله مهم‌ترین محورهای گفت‌وگوی پزشکیان و پوتین خواهد بود. از این منظر تهران می‌خواهد نشان دهد که موضوع انرژی را صرفاً مسئله‌ای اقتصادی نمی‌بیند بلکه تلاش خواهد کرد که آن را به دیپلماسی و امنیت ملی پیوند زند. نکته کلیدی و مهمی در این بین وجود دارد و باید به آن توجه داشت. روشن است که بازار مشترک گازی پروژه‌ای بسیار پیچیده‌تر از آن است که صرفا در گفت‌وگوهای سیاسی همه جنبه‌های آن بررسی شود. تفاوت در زیرساخت‌ها، اقتضائات هرکشور در قیمت‌گذاری و تفاوت در مقاصد از جمله پیچیدگی‌های فنی این برنامه خواهد بود. اما اگر بتوان بر این پیچیدگی‌ها فائق آمد، بدون تردید گام موثری در ایجاد همگرایی بین کشورهای تولیدکننده گاز برداشته خواهد شد. گام بلندی در همگرایی که احتمالا بازتاب‌های روشنی در سیاست بین‌الملل و نزدیکی منافع کشورها خواهد داشت.

دو غول گازی

از دیرباز وقتی سخن از گاز و فروش آن به کشورهای دیگر مطرح می‌شد، بلافاصله نام ایران و روسیه در کنار هم قرار می‌گرفت. برخورداری هر دو کشور از منابع عظیم گاز موجب شده که دو کشور در بعضی زمینه‌ها به شکل ذاتی رقیب هم محسوب شوند. با وجود زمینه‌های مربوط به رقابت، اکنون زمان آن است که ببینیم این دو کشور چطور می‌توانند به شرکای راهبردی تبدیل شوند و آیا اصلا چنین شراکتی امکان‌پذیر خواهد بود یا نه. نمی‌توان انکار کرد که ایران و روسیه با وجود همه رقابت‌ها، در حوزه‌هایی منافع مشترک یا اشتراکاتی در وضعیت دارند. برای مثال هر دو کشور با محدودیت‌های ناشی از تحریم مواجه بوده و هستند. هر دو کشور دنبال راه‌های جایگزین برای ادامه تجارت خود هستند و هر دو کشور می‌توانند از همکاری در انتقال گاز، توسعه میدان‌ها و زیرساخت‌ها بهره ببرند. با توجه به چنین مواردی آیا می‌توان درک روشنی از تضاد منافع هم داشت؟ چنان که گفته شد، اگرچه روسیه می‌تواند شریک ایران باشد، اما در موضوعاتی به طور طبیعی رقیب هم محسوب می‌شود. روسیه برای فروش انرژی، به‌ویژه در بازارهای آسیایی، با بازیگران متعددی رقابت می‌کند. ایران نیز در صورت رفع محدودیت‌ها و توسعه ظرفیت صادراتی، دنبال سهم بیشتری از همین بازار خواهد بود. یکی از موضوعاتی که احتمالا در این گفت‌وگوها مورد توجه قرار می‌گیرد این است که معافیت‌های آمریکا ممکن است باعث تقویت تجارت مسکو شود، اما باید دانست که ایران همچنان با محدودیت‌های بانکی، سرمایه‌گذاری و صادرات روبرو خواهد بود. با درک چنین وضعیتی سیاست روسیه چه خواهد بود؟ این مهم را باید در مرکز بررسی‌ها قرار داد که آزادی عمل تقریبی مسکو در فروش انرژی در کنار محدودیت‌هایی که در سمت ایران قرار دارد، نباید رابطه دو کشور را از توازن خارج کند. رابطه‌ای که در آن روسیه از انعطاف‌پذیری بیشتر برای معامله برخوردار باشد و ایران برای کوچکترین عملیات تجاری خود هزینه‌های سنگین بپردازد. این از آن موارد مهمی است که روسیه باید موضع خود را روشن کند.

پیام ایران به آمریکا

این سفر از منظر عملی نیز اهمیت دارد. طبق اظهارات وزیر پیشین نفت، دو کشور به تفاهم کلی درباره انتقال گاز روسیه به ایران رسیده‌اند و بررسی‌های فنی همچنان ادامه دارد. مسیر پیشنهادی انتقال از خاک جمهوری آذربایجان می‌گذرد. در گزارش دیگری آمده که مسائل قیمت‌گذاری و پرداخت در مذاکرات پیشین حل نشده بوده و باید میان تفاهم کلی و قرارداد نهایی تفاوت گذاشت. این موضوع هم اهمیت زیادی دارد زیرا ایران با وجود برخورداری از ذخایر عظیم گاز، در دوره‌هایی با ناترازی و محدودیت عرضه داخلی مواجه بوده است. واردات گاز روسیه، اگر از نظر قیمت، قرارداد و زیرساخت توجیه‌پذیر باشد، ممکن است به مدیریت فصلی عرضه کمک کند، اما به خودی خود مشکل سرمایه‌گذاری، مصرف داخلی و توسعه تولید ایران را حل نخواهد کرد. به همین دلیل در سفر اخیر پزشکیان به مسکو معیار موفقیت، میزان پیشرفت واقعی قراردادها و پروژه‌هایی از این دست است. از سوی دیگر و شاید در مهم‌ترین وجه، این سفر پیام مهمی برای واشنگتن دارد. ایران می‌خواهد نشان دهد که امکان منزوی‌کردن کامل آن وجود ندارد و حضور در اجلاس کشورهای صادرکننده گاز و گفت‌وگو با روسیه و دیگر اعضا، فرصتی برای تهران است تا ظرفیت دیپلماتیک خود را به نمایش بگذارد. ایران همچنین می‌خواهد هزینه فشار اقتصادی را افزایش دهد. اگر کشورهای بزرگ تولیدکننده بتوانند در زمینه امنیت انرژی، زیرساخت‌ها و تجارت همکاری مؤثرتری داشته باشند، اعمال فشار یک‌جانبه بر هر یک از آنها ممکن است دشوارتر شود و تهران احتمالاً می‌خواهد به واشنگتن یادآوری کند که سیاست انرژی آمریکا پیامدهای ژئوپلیتیکی دارد. در مجموع می‌توان گفت ایران در تلاش است از ظرفیت‌های انرژی، قدرت سیاسی و اقتصادی مؤثرتر بسازد.

گزارش

«آرمان ملی» شکست متحد ترامپ در انتخابات را بررسی می‌کند

ناکامی راستگرایان در برزیل

آرمان ملی- عماد موحد: پیروزی لوئیز ایناسیو لولا داسیلوا در انتخابات ریاست جمهوری برزیل را نمی‌توان صرفا نتیجه رقابت میان دو جریان سیاسی در این کشور دانست. لولا در انتخابات ۲۵ اکتبر با کسب حدود ۵۱.۸ درصد آرا در برابر ۴۸.۲ درصد آرای فلاویو بولسونارو، پسر رئیس جمهور پیشین برزیل، برای چهارمین بار به ریاست جمهوری رسید. این نتیجه در شرایطی رقم خورد که رقیب او در دور نخست پیش افتاده بود و جریان راست‌گرای منطقه نیز از پیروزی‌های انتخاباتی متعددی برخوردار شده بود. از این منظر، انتخابات برزیل علاوه بر تعیین رئیس جمهور آینده این کشور، آزمونی برای میزان نفوذ دونالد ترامپ در آمریکای لاتین بود. اهمیت نتیجه زمانی روشن‌تر می‌شود که جایگاه برزیل در معادلات منطقه‌ای و جهانی را در نظر بگیریم. این کشور بزرگ‌ترین اقتصاد آمریکای لاتین است و در گروه بریکس، روابط اقتصادی گسترده با چین و مناسبات چندجانبه با کشورهای جنوب جهانی نقش مهمی دارد. بازگشت یک دولت نزدیک به خانواده بولسونارو می‌توانست زمینه را برای همسویی بیشتر برزیل با سیاست‌های منطقه‌ای ترامپ فراهم کند. اکنون پیروزی لولا به معنای تداوم سیاست خارجی مستقل‌تری است که در آن برزیل می‌کوشد روابط خود را با واشنگتن حفظ کند، بی‌آنکه مناسبات با چین و دیگر شرکای بین‌المللی را قربانی کند.

فشار آمریکا بر برزیل

فلاویو بولسونارو نماینده تداوم جریان سیاسی پدرش، ژائیر بولسونارو، بود؛ جریانی که با راست‌گرایی ملی‌گرا و نزدیکی سیاسی به ترامپ شناخته می‌شود. در ماه‌های منتهی به انتخابات، روابط واشنگتن و برازیلیا نیز با تنش‌هایی بر سر تعرفه‌های تجاری و پرونده قضایی رئیس جمهور پیشین برزیل همراه بود. گزارش‌های رسانه‌ای از تلاش مقام‌های آمریکایی برای اعمال فشار بر دولت لولا حکایت داشت؛ فشارهایی که به یکی از موضوعات مناقشه‌برانگیز روابط دو کشور تبدیل شد. در چنین شرایطی، شکست فلاویو برای ترامپ صرفا از دست رفتن یک متحد سیاسی نیست. واشنگتن نمی‌تواند مطمئن باشد که فشار اقتصادی و دیپلماتیک، دولت‌های منطقه را به همراهی با سیاست‌های خود وادار می‌کند. در مورد برزیل، دفاع از حاکمیت ملی به یکی از محورهای رقابت انتخاباتی تبدیل شد و لولا توانست از این موضوع برای بسیج بخشی از رأی‌دهندگان استفاده کند. با این حال، نمی‌توان نتیجه گرفت که همه رأی‌دهندگان به دلیل مخالفت با ترامپ به لولا رأی داده‌اند؛ مسائل اقتصادی، هزینه زندگی و نگرانی‌های امنیتی نیز در انتخاب مردم نقش داشته‌اند.

پایان راستگرایی؟

پیروزی لولا همچنین به زنجیره هفت پیروزی پیاپی نامزدهای محافظه‌کار در انتخابات ریاست جمهوری آمریکای لاتین طی ۱۸ ماه گذشته پایان داد. این اتفاق نشان می‌دهد که گرایش سیاسی منطقه را نمی‌توان حرکتی یک‌طرفه و برگشت‌ناپذیر دانست. با این حال، نتیجه برزیل به‌تنهایی برای اعلام پایان موج راست‌گرایی کافی نیست. فاصله کمتر از چهار واحد درصد میان دو نامزد، از شکاف سیاسی در جامعه برزیل حکایت دارد. تقریبا نیمی از رأی‌دهندگان به رقیب لولا رأی داده‌اند و جریان بولسونارو همچنان از پایگاه اجتماعی قابل توجهی برخوردار است. افزون بر این، کنگره برزیل گرایش محافظه‌کارانه قدرتمندی دارد و دولت لولا برای پیشبرد برنامه‌های خود ناچار به مذاکره و مصالحه با نیروهایی خواهد بود که با بخش مهمی از سیاست‌هایش اختلاف دارند. با این همه اگرچه پیروزی انتخاباتی را نباید با تسلط کامل بر ساختار قدرت یکسان دانست، اما بی‌تردید دور شدن راستگرای افراطی از قدرت نشانه‌ای مهم برای درک جهت افکار عمومی جهان است. این همان نکته‌ای است که ترامپ را نسبت به انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره حساس کرده که مبادا عبور از راستگرایی افراطی در آمریکا که اغلب حامیان ترامپ را تشکیل می‌دهد، موجب از دست رفتن نتیجه برای ترامپ و حامیانش باشد. در برزیل باید یادآوری کرد که لولا برای حفظ موقعیت خود باید به مطالبات اقتصادی رأی‌دهندگان پاسخ دهد، نگرانی‌های مربوط به امنیت عمومی را جدی بگیرد و در عین حال از تبدیل اختلافات سیاسی به بحران‌های فرساینده جلوگیری کند. عملکرد دولت او در دوره جدید می‌تواند بر سرنوشت جریان چپ و راست در برزیل و حتی بر محاسبات سیاسی دیگر کشورهای منطقه اثر بگذارد.

رفیق احمدی‌نژاد

همانطور که لولا در داخل برزیل کار دشواری در پیش دارد، در عرصه سیاست خارجی هم این پیروزی به معنای ورود برزیل به جبهه‌ای ضدآمریکایی نیست. اکنون اختلاف اصلی بر سر این است که آیا برزیل باید در چارچوب راهبردهای واشنگتن حرکت کند یا استقلال بیشتری در انتخاب شرکای اقتصادی و امنیتی خود داشته باشد. تداوم حضور لولا در قدرت، دست‌کم در سطح ریاست جمهوری گزینه دوم را تقویت می‌کند. باید گفت پیروزی لولا نه اتفاقی کم اهمیت و صرفا داخلی است و نه به معنای شکست راهبردی آمریکا در آمریکای لاتین. این انتخابات نشان داد که گسترش نفوذ ترامپ در نیم‌کره غربی با محدودیت‌های سیاسی و انتخاباتی روبه‌روست و نزدیکی یک نامزد به واشنگتن، تضمینی برای پیروزی او نیست. اگر لولا که زمانی از دوستان احمدی‌نژاد و چاوز محسوب می‌شده، بتواند استقلال سیاست خارجی برزیل را حفظ کند و هم‌زمان به مشکلات اقتصادی و اجتماعی پاسخ دهد، نتیجه انتخابات می‌تواند پیامدهایی فراتر از مرزهای این کشور داشته باشد.